

بررسی فقر و توزیع درآمد براساس نوع شغل در مقاطع مختلف زمانی

نارسیس امین رشتی*

توجه به مسئله فقر و توزیع درآمد در تمامی کشورهایایی که از نظر درآمدی و درجه توسعه‌یافتگی در رتبه‌های اول جهانی قرار دارند از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. فقر در قالب یک کلمه، می‌تواند ابعاد وسیعی از مشکلات مختلف جامعه را نشان دهد. در کشورهایی که در حال عبور از یک اقتصاد سنتی به اقتصاد مدرن هستند، به دلیل تغییر در ساختار کل اقتصاد و توزیع جدید منابع، وضعیت فقر و لطمات ناشی از آن در بعد وسیعتری مشاهده می‌شود. پس مسئله شدت فقر و آسیب‌پذیری ناشی از آن در کشورهای در حال توسعه و نیز کشورهای عبور از مرحله توسعه، به این بازمی‌گردد، که در جوامع سنتی یک روش حمایتی خیریه‌ای و ایلی وجود داشته که در آن معمولاً خانوارهای غنی، رؤسای قبایل و یا کخدایان، خود را موظف به حمایت از اقشار فقیر و تنگدست جامعه خود می‌دانستند.

حال در دوران گذار و افزایش شهرنشینی و زندگی صنعتی نوع این حمایت نیز تغییر یافته و در طیف وسیعتری، زیر نظر دولت به بعد ملی تبدیل شده‌است. در کشور

* - نارسیس امین رشتی؛ کارشناس ارشد رشته اقتصاد

ما نیز که گامهای اولیه در زمینه توسعه برداشته می‌شود، این معضل بزرگ، جامعه را تهدید می‌کند.

مقاله حاضر سعی دارد وضعیت فقر و توزیع درآمد را در گروههای مختلف جامعه بررسی نموده و با مقایسه مقاطع مختلف زمانی، شرایط رفاهی خانوارها را در این مقوله مورد مطالعه قرار دهد؛ اما قبل از هرگونه بحثی لازم است یک تعریف مناسب از فقر و توزیع درآمد ارائه شود. متأسفانه در بسیاری از متون و ادبیات اقتصادی این دو کلمه مترادف یکدیگر قرار دارند و حتی باور برخی از اقتصاددانان نیز بر این قرار گرفته که فقر و توزیع درآمد نامناسب به یک معنا می‌باشد، در حالیکه این دو، از نظر مفهومی با هم متفاوت می‌باشند. به این صورت که توزیع نامناسب درآمد به معنای فقر نبوده و توزیع مناسب درآمد نیز به معنی فقدان فقر نمی‌باشد.

امکان دارد که در جامعه‌ای توزیع درآمد نامناسب باشد ولی فقر قابل ملاحظه‌ای وجود نداشته‌باشد. در حالیکه در شرایطی، ممکن است با توزیع مناسبتر درآمد فقر شدیدی حکمفرما شود. به عبارتی می‌توان ۱۰ عدد نان را بین ۵ نفر بصورت نامناسبی توزیع نمود، به نحوی که همگی سیر شوند. در حالیکه ۲ عدد نان را می‌توان بصورت کاملاً مساوی بین همان ۵ نفر توزیع نمود و تمامی آنان گرسنه بمانند. به این ترتیب مشاهده می‌شود که در شرایطی با توزیع نامناسب، هیچ فردی فقیر نیست اما در شکلی دیگر، توزیع عادلانه و مساوی همگی افراد فقیر می‌باشند. با این توضیح می‌توان تعریفی برای فقر و توزیع درآمد در زیر ارائه داد.

از نظر صاحب‌نظران مسائل اقتصادی و اجتماعی، فقر را می‌توان عدم توانایی در برآورده ساختن نیازهای انسانی تعریف نمود. اما چون نیازهای انسانی محدودیت و نهایت ندارد و با پیشرفت علوم و تکنولوژی و تمدن بشری نیازها، گسترش پیدا می‌کند، تعریف فوق نمی‌تواند مفهوم فقر را پوشش دهد. به این ترتیب می‌توان فقر را ناتوانی در برآورده ساختن نیازهای اساسی انسانی دانست.

توزیع درآمد یک بحث بسیار مهم و یکی از اهداف عمده اقتصادی هر دولتی

محسوب می‌شود. مسئله توزیع را از دو جنبه می‌توان بررسی نمود که یکی توزیع بین نهاده‌های تولید، و دیگری توزیع بین افراد جامعه را در نظر می‌گیرد. موضوع نخست یک بحث کاملاً اقتصادی است که تحت عنوان نظریه توزیع در ادبیات علم اقتصاد جایگاه خود را دارد، اما بحث دوم عمدتاً مقوله‌ای اجتماعی، سیاسی و اقتصادی محسوب می‌شود. توزیع درآمد بین افراد و خانوارها تعاریف متفاوتی می‌تواند داشته‌باشد که هر تعریف متکی به یک ایدئولوژی و آداب و رسوم اجتماعی می‌باشد.

در بین نظریه‌هایی که توزیع درآمد را توضیح می‌دهند، دو مورد از معروفترین آنها نظریه توزیع درآمد براساس حداکثر رفاه جامعه و مبتنی بر برابری مطلوبیت نهایی درآمد افراد است که به مکتب «نهائیون» شهرت دارد، و دیگری توزیعی را عادلانه می‌داند که در آن مطلوبیت کل تک تک افراد با یکدیگر مساوی باشد. این برداشت به نظریه «مطلوبیون» معروف است. به هر حال با فرض مشابه بودن مطلوبیت نهایی پرآمد برای همه افراد، این دو نظریه نتیجه مشابه داشته و بر نظریه برابری درآمدها بین افراد به عنوان توزیع مناسب درآمد منطبق خواهد شد.

حال می‌توان با توجه به مفاهیمی که در بالا تعریف شد به ادامه بحث و ارائه موضوع اصلی مقاله بپردازیم. بحث عمده در این مطالعه بررسی مفاهیم فوق در خانوارها براساس نوع شغل سرپرست خانوار است، در آمارهای بودجه خانوار مرکز آمار ایران نوع شغل سرپرست به ۵ گروه اصلی تفکیک شده است که ما نیز بر همان اساس مطالعات خویش را انجام می‌دهیم، در تقسیم‌بندی گروه اول کارفرمایان، گروه دوم کارکنان مستقل، سوم کارکنان بخش دولتی، چهارم کارکنان بخش خصوصی و گروه پنجم بیکاران و کارکنان فامیلی هستند^(۱).

مقطع مورد مطالعه در سال ۷۴ انتخاب شده که به دلیل بالابودن حجم نمونه و کفایت آماری می‌تواند بهترین سال در آمار بودجه خانوار باشد. در این سال تعداد

۱- تقسیم‌بندی فوق براساس تعریف طرح بودجه خانوار مرکز آمار ایران می‌باشد.

پرسشنامه‌ها، به حدود ۳۶ هزار نمونه می‌رسد که در این میان آمار شهری حدود ۲۰۱۹۶ خانوار را شامل می‌شود. نکته دیگر در ارتباط با این بررسی، این است که ما تنها جامعه شهری را در نظر گرفته‌ایم و به دلیل حجم وسیع کار به جامعه روستایی نپرداخته‌ایم. اما از آنجایی که روند فقر را می‌توان در مقایسه با سالهای مختلف بررسی نمود، ما نیز در این مقاله سال ۶۴ را به عنوان یک فاصله ۱۰ ساله انتخاب نموده و همچنین سال ۷۶ را به عنوان آخرین آمار قابل دسترس به مطالعه خود اضافه کرده‌ایم.

در ابتدا با ارائه یک الگوی مصرفی از هریک از گروههای شغلی به شناسایی سبد مصرفی آنان می‌پردازیم و سپس با استخراج میزان خط فقر و درصد افراد زیر آن برای این ۵ گروه شغلی و همچنین توزیع درآمد در بین آنها با وضعیت هریک از آنان آشنا خواهیم شد:

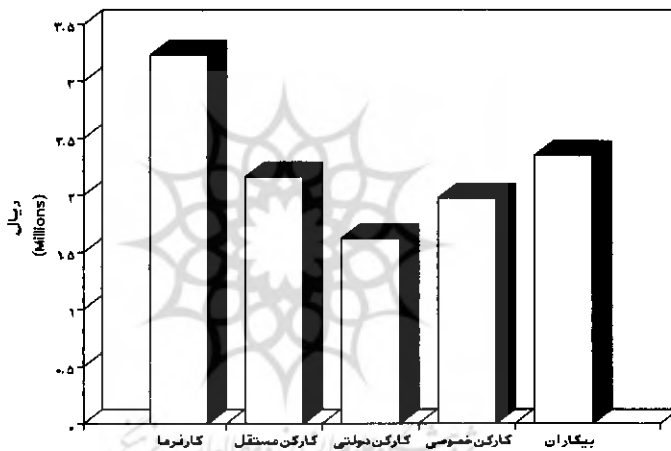
۱- الگوی مصرف خانوارهای شهری براساس تقسیم‌بندی مشاغل

براساس اطلاعات بودجه خانوار مرکز آمار ایران کل هزینه خانوارها به ۸ گروه عمده کالایی و خدماتی تفکیک می‌شود^(۱) که در صورت وجود پس‌انداز، مجموع هزینه ۸ گروه کالایی به اضافه پس‌انداز، کل درآمد دائمی افراد را تشکیل می‌دهند. از آنجایی که خانوارها در بیان درآمد دائمی خود یا دچار اشتباه می‌شوند و یا واقعیت را اظهار نمی‌دارند، معمولاً هزینه کل را به عنوان جانشین مناسبی برای درآمد دائمی انتخاب می‌کنند چون انتظار نمی‌رود اقشار فقیر قادر به پس‌انداز قابل توجهی باشند. این

۱- هشت گروه کالایی براساس تعریف مرکز آمار ایران عبارتند از: خوراک، پوشاک، مسکن، لوازم منزل، بهداشت و درمان، حمل و نقل، آموزش و تفریح، کالاها و خدمات متفرقه.

جایگزینی برای این گروه بسیار مناسب به نظر می‌رسد. با این توضیح می‌توان میزان درآمد را در بین این ۵ گروه شغلی مشاهده نمود. به این منظور نمودار شماره (۱ - ۱) مقدار درآمد (هزینه) خانوارهای شهری را در سال ۷۴ براساس نوع شغل سرپرست در میانگین جامعه نشان می‌دهد.

(۱ - ۱): متوسط درآمد (هزینه) خانوارهای شهری براساس شغل سرپرست خانواده (۱۳۷۴)



چنانچه ملاحظه می‌شود بیشترین درآمد سرانه در سال ۷۴ مربوط به خانوارهای با سرپرست کارفرما است که در سال بطور میانگین رقمی حدود ۳ میلیون ریال را بصورت سرانه هزینه می‌کنند. اگر این رقم را بصورت ماهانه و باتوجه به بعد خانوار در گروه کارفرمایان که حدود ۵/۲ نفر می‌باشد، حساب کنیم هر خانوار باسرپرست کارفرما بطور متوسط ماهانه حدود ۱/۴ میلیون ریال هزینه مصرف می‌کند.

پس از گروه کارفرمایان، بیکاران جامعه شهری بیشترین درآمد (هزینه) را دارا می‌باشند. به عبارت دیگر این گروه با هزینه‌ای حدود ۲/۳ میلیون ریال در سال بصورت سرانه در رده دوم قرار دارند. این نکته می‌تواند بسیار جالب باشد که اقشار بیکار

جامعه چگونه چنین درآمدی را بدست می‌آورند. قابل ذکر است که معمولاً در جامعه شهری مشاغلی وجود دارد که در هیچ یک از ۴ گروه دیگر جای نمی‌گیرد و ناگزیر جزو گروه پنجم شغلی تلقی می‌شود. این مشاغل از نوع دلالی و واسطه‌گری می‌باشد که در آمارهای رسمی کشور منعکس نمی‌شود و به این دلیل مالیات نیز پرداخت نمی‌کند، اما از درآمدهای بالایی برخوردارند. این می‌تواند توجیهی برای بالابودن درآمد در گروه پنجم شغلی (گروه بیکاران) باشد.

اگر به ترتیب بخواهیم میزان درآمد (هزینه) سرانه سالیانه را در نظر بگیریم، در رده سوم گروه کارکنان مستقل قرار دارند که رقمی حدود ۲/۱ میلیون ریال را در سال ۷۴ برای هر فرد در خانوار تحت سرپرستی این گروه دارا می‌باشند. اگر این رقم را نیز بخواهیم بطور ماهانه برای خانوار در نظر بگیریم حدود ۹۲ هزار تومان در ماه خواهد بود.

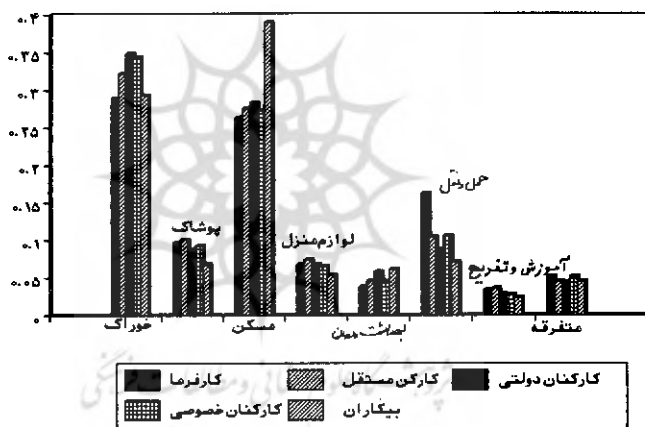
کارمندان، در آخرین رده درآمدی قرار می‌گیرند؛ با این توضیح که؛ خانوارهایی که سرپرست آنها کارکن بخش خصوصی است از نظر درآمدی نسبت به کارمندان سرپرست دولتی وضعیت بهتری دارند. به طوری که گروه اول به طور متوسط حدود ۱/۹ میلیون ریال در سال ۷۴ بصورت سرانه هزینه می‌کنند در حالی که کارمندان بخش دولتی در همان سال ۱/۶ میلیون ریال هزینه سرانه سالیانه را دارند، البته ذکر یک نکته در اینجا ضروری است که بخشی از هزینه‌ها برای کارمندان، خصوصاً بخش دولتی از طریق سازمانهای محل کارشان تأمین می‌شوند که بصورت بن و یا کوپنهایی در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

حال می‌توان با توجه به میزان درآمد (هزینه) در هر گروه شغلی الگوی مصرفی هر یک از آنان را بصورت گروههای کالایی مورد بررسی قرار داد.

نمودار شماره (۲ - ۱) سهم هزینه کالایی در سبد مصرفی خانوار شهری براساس گروههای شغلی را در سال ۷۴ نشان می‌دهد. چنانچه ملاحظه می‌گردد، سهم هزینه خوراک از عمده‌ترین اقلام ۸ گروه کالایی در الگوی مصرفی خانوارها می‌باشد.

اما در بین گروه‌های مختلف شغلی کارکنان دولتی و خصوصی، بیشترین سهم هزینه‌ای را به این کالا اختصاص می‌دهند. البته چنانچه می‌دانیم هرچه میزان درآمد بیشتر شود، سهم کالاهای خوارکی کاهش می‌یابد و همانطور که در نمودار اول دیدیم کارمندان دولتی و خصوصی کمترین درآمد (هزینه) را دارا می‌باشند به همین دلیل سهم هزینه‌های خوارکی در بین سایر اقلام بیشتر است.

(۲-۱): سهم هزینه کالایی در سبد مصرفی خانوار شهری بر اساس شغل سرپرست خانواده (۱۳۷۴)



پس از خوارک، مسکن در جایگاه بعدی سهم هزینه‌ای قرار دارد، به طوری که برای تمامی مشاغل سهمی بیش از $\frac{1}{4}$ هزینه کل را به خود اختصاص می‌دهد اما سهم مسکن برای گروه پنجم مشاغل سهمی نزدیک به ۴۰ درصد از درآمد است که رقم نسبتاً بالایی می‌باشد.

پوشاک در سبد مصرفی خانوارها سهمی حول و حوش ۸ درصد دارد که بیشترین آن، سهم مربوط به مشاغل کارکنان مستقل و کمترین آن به اقبال بیکار جامعه باز می‌گردد.

اما نکته مهم، در ارتباط با هزینه حمل و نقل می‌باشد که با نوسان زیادی در بین

مشاغل مختلف جامعه، خود را نشان می‌دهد، به طوری که در خانوارهای باسرپرست کارفرما این سهم به حدود ۱۶ درصد می‌رسد در حالی که برای اقشار بیکار جامعه این سهم تنها ۷ درصد است.

سایر گروه‌های عمده کالایی نیز، با نوساناتی میزان سهم هزینه‌ای هر یک از مشاغل مختلف جامعه را نشان می‌دهد، با کمی تأمل، باتوجه به سهم هریک از اقلام کالایی می‌توان جایگاه و اهمیت هر گروه کالایی را در سبد مصرفی اقشار مختلف جامعه باتوجه به شغل سرپرست خانوار، شناسایی نمود.

۲- بررسی فقر و استخراج آن در خانوارهای شهری بر اساس تقسیم‌بندی مشاغل

بطور کلی فقر از جمله مفاهیمی است که در ادبیات اقتصادی از جمله مقوله‌های دستوری (Normative) قرار می‌گیرد، اصولاً تمیز فقیر از غیر فقیر و یا هر دو اینها از غنی، بستگی به تعریف از قبل تعیین شده برای فقر و غنا دارد. آیا کسی که روزی یک قرص نان داشته باشد غیر فقیر است و یا کسی که نمی‌تواند از تعطیلات کافی و مسافرت تفریحی استفاده نماید، فقیر می‌باشد. چنین تفاوت فاحشی در تعریف فقر، عمدتاً به توان اقتصادی و سیستم سیاسی و اجتماعی جامعه موردنظر (همچنین ایدئولوژی و فلسفه حاکم بر آن) باز می‌گردد.

باتوجه به مفاهیم بالا، فقر می‌تواند در هر جامعه‌ای با شاخص متفاوتی ارائه شود. به عبارت دیگر توان اقتصادی و سیاسی جامعه در تعیین شاخص مناسب برای سنجش فقر دارای اهمیت است، مفهوم فقر در جامعه هند بسیار متفاوت از فقر در کشور ژاپن، سوئیس، امریکا و حتی ایران می‌باشد. در کشورهای آمریکای شمالی و اروپا یک خانوار متوسط و پایین، صاحب تلویزیون رنگی، یخچال، ماشین لباسشویی، حرارت مرکزی و شاید اتومبیل شخصی باشد، در حالیکه در ژاپن نداشتن اتومبیل، تلویزیون رنگی و حرارت مرکزی امری بسیار عادی می‌باشد.

به این ترتیب شناسایی و معرفی افراد فقیر در هر جامعه‌ای امری است که از یک تعریف مشخص از فقر ناشی می‌شود. در واقع هرکسی برای اندازه‌گیری میزان فقر در جامعه می‌تواند تعریفی خاص ارائه کند و براساس آن افراد فقیر را نشان دهد. در آن تعریف امکان دارد حدود ۹۰ درصد از جامعه کشور ایران زیر خط فقر قرار بگیرند و یا تعریف می‌تواند چنان باشد که فقط افرادی که در اثر فقر می‌میرند را فقیر تلقی نماید. اما در این مقاله سعی شده است که اصلی‌ترین نیاز هر انسان برای ادامه زندگی و بقاء وی را به عنوان شاخص فقر در نظر بگیریم. این نیاز عبارت است از سلامت جسم و تغذیه مناسب که از طریق محاسبه ارزشهای غذایی دریافتی به هر فرد محاسبه می‌شود.^(۱) در این روش که توسط آمار و اطلاعات بودجه خانوار و از طریق سبد مصرفی خانوارها امکان‌پذیر می‌شود، میزان مصرف کالاهای خوراکی براساس ارزش غذایی هر یک از کالاها و میزان دریافت هر فرد از این مجموعه مغذیها محاسبه می‌گردد. این ارزشهای غذایی که براساس انرژی، پروتئین، آهن، فسفر و کلسیم می‌باشند از طریق کالاهای مختلف و با مقادیر متفاوت برای هر فرد مهیا می‌شوند. در بین این اقلام انرژی از عمده‌ترین ارزشهای غذایی است که فرد باتوجه به سیری شکم به آن می‌پردازد و هر فرد بدون توجه به میزان نیاز روزانه خود به پروتئین، آهن و... تنها به مقدار انرژی دریافتی از طریق احساس سیری که به فرد داده می‌شود توجه دارد. از طرفی در مطالعات انجام شده ملاحظه شد که اگر انرژی مورد نیاز برای بدن در روز تأمین شود سایر این اقلام^(۲) نیز در حد مورد نیاز، دریافت شده‌اند. بر این اساس، مطالعات خود را براساس میزان دریافت انرژی مورد نیاز قرار دادیم. سپس از طریق هرم سنی و بعد خانوار^(۳) میزان دریافت انرژی را در روز برای یک فرد شاخص

۱- رجوع شده به مدل ارائه شده توسط دکتر جمشید پژویان در مقاله:

J.Pajooyan. A Method for Stablishing the Poverty Line, IER # 1, 1994.

۲- براساس سرشماری سال ۱۳۷۵

۳- بجز ویتامینها

مطرح نمودیم و افرادی را که در روز این میزان انرژی به بدنشان نمی‌رسد به عنوان فرد فقیر معرفی نمودیم.

باتوجه به مطالب فوق و محاسبه آمار و ارقام اطلاعات بودجه خانوار برای گروه‌های مختلف شغلی جامعه شهری سال ۷۴ به نتایج زیر دست یافتیم:

جدول (۱-۲): خط فقر ریالی و درصد زیرخط فقر برای خانوارهای شهری به تفکیک مشاغل در سال ۷۴

گروه‌های شغلی	کارفرمایان	کارکنان مستقل	کارمندان دولت	کارمندان خصوصی	بیکاران و کارکنان فامیلی
درصد زیرخط فقر	۶/۵٪	۷/۳٪	۱۸/۵٪	۱۱/۳٪	۱۳/۵٪
خط فقر ریالی (سرانه سالیانه)	۷۵۰۱۷۵	۶۶۴۲۸۳	۵۹۸۱۱۳	۶۴۷۲۸۷	۶۴۴۲۹۰

چنانچه در جدول فوق ملاحظه می‌شود بالاترین درصد زیر خط فقر مربوط به کارمندان دولت است که حدود ۱۸/۵ درصد خانوارهایی که سرپرست آنان کارکن بخش دولتی هستند در زیر خط فقر قرار دارند. خط فقر ریالی این گروه سرانه سالیانه رقمی حدود ۵۹ هزار تومان می‌باشد که اگر این رقم را تبدیل به خانوار در ماه کنیم حدود ۲۶ هزار تومان می‌باشد که در سال ۷۴ کارمندان زیادی زیر رقم ۲۶ هزار تومان در ماه حقوق می‌گرفتند.

پس از کارمندان دولت، بیکاران با فاصله، حدود ۱۳/۵ درصد زیر خط فقر قرار دارند. باتوجه به درآمدها دیدیم که این گروه، بالاترین درآمد را پس از کارفرمایان به خود اختصاص می‌دهند و این موضوع نشان می‌دهد که فاصله درآمدی بین این اقشار زیاد است، به عبارت دیگر اختلاف درآمد و سطح زندگی باید در این گروه بسیار متفاوت باشد. دلیل این امر همان نکته‌ای است که در درآمدها به آن اشاره نمودیم در

واقع عده‌ای در این گروه قرار دارند که به دلیل کارهایی نظیر دلالی و واسطه‌گری درآمدهای بالایی دارند. در حالی که اقشار بیکاری که هیچ درآمدی ندارند در این گروه نیز وجود دارند.

کمترین رقم درصد زیر خط فقر مربوط به گروه کارفرمایان می‌باشد که حدود ۶/۵ درصد است، البته رقم خط فقر به صورت ریالی در مقایسه با سایر گروهها بسیار بالاست این رقم که حدود ۷۵ هزار تومان در سال برای هر نفر است بصورت ماهیانه برای خانوار حدود ۳۲ هزار تومان می‌باشد.

پس از کارفرمایان به ترتیب، کارمندان خصوصی و کارکنان مستقل کمترین درصد را زیر خط فقر، دارا می‌باشند. چنانچه ملاحظه می‌شود کارکنان مستقل با درصد زیر خط فقر بالا، رقم ریالی خط فقرشان نیز بالاتر از کارمندان خصوصی است. البته این نکته می‌تواند ناشی از گران بودن کالری در این گروه از خانوارها همانند کارفرمایان باشد، به عبارتی خانوارهای کارمند، بخصوص بخش خصوصی قیمت کالری را بسیار ارزانتر از سایر گروهها می‌پردازند یا به بیان دیگر انرژی مورد نیاز خود را با قیمت ارزانتر تهیه می‌کنند. به همین دلیل خط فقر ریالی آنان پایین‌تر از کارفرمایان و کارکنان مستقل است. البته این می‌تواند ناشی از کمکهای جنسی باشد که از طریق ادارات به کارمندان داده می‌شود و برخی کالاها با پرداخت بن، کوپن و... قیمت تمام شده کمتری را برای کارمندان مهیا می‌کند.

۳- بررسی و مطالعه توزیع درآمد در خانوارهای

شهری براساس گروههای شغلی در سال ۷۴

در مقدمه این مقاله به تفصیل درباره مفهوم توزیع درآمد و دلایل اهمیت آن بحث شد. در این قسمت براساس شاخصهای مناسب و مختلف به بررسی وضعیت توزیع در بین خانوارهای شهری، به تفکیک مشاغل می‌پردازیم:

در مطالعه نابرابری درآمد و یا ثروت، شاخصهای مختلفی وجود دارند که در

این مقاله ما به تعدادی از آنان اشاره می‌کنیم که از آن جمله ضریب جینی، شاخص تایل و ضریب اتکینسن از شاخصهایی هستند که به منظور بررسی وضعیت توزیع درآمد در بین مشاغل مختلف جامعه شهری در سال ۷۴ محاسبه گردیده و مورد مقایسه قرار می‌گیرد.

ضریب جینی از جمله شاخصهایی است که با منحنی سوزنر، در ارتباط می‌باشد و در کارهای تجربی کاربرد زیادی دارد. این شاخص میزان تمرکز درآمد را اندازه‌گیری می‌کند و لذا از آن به عنوان شاخص «تمرکز درآمد» نیز می‌توان یاد کرد. دامنه تغییرات این شاخص بین صفر و یک است، هرچه درصد بیشتری از درآمد جامعه در اختیار درصد کمتری از افراد قرار گیرد، میزان نابرابری در جامعه بیشتر و مقدار عددی این شاخص به یک نزدیکتر خواهد بود و هرچه میزان توزیع و برابری در جامعه مناسبتر باشد این شاخص به رقم صفر نزدیکتر خواهد شد.

حال باتوجه به تعریف فوق، ضرایب جینی برای ۵ گروه شغلی جامعه شهری در سال ۷۴ محاسبه شده و در جدول زیر ارائه می‌شود.

**جدول (۱ - ۳): ضریب جینی برای گروههای مختلف شغلی
جامعه شهری در سال ۷۴**

گروههای شغلی	گروه کارفرمایان	کارکنان مستقل	کارمندان	کارمندان	بیکاران و
ضرایب توزیع			بخش دولتی	بخش خصوصی	کارمندان فامیلی
ضریب جینی	۰/۴۵۲	۰/۳۷۹	۰/۴۳۳	۰/۴۱۱	۰/۴۵۲

چنانچه ملاحظه می‌شود ضریب جینی برای گروه کارکنان مستقل بهترین توزیع را نشان می‌دهد به این مفهوم که درآمد (هزینه) بصورت عادلانه‌تری در بین این گروه از جامعه شهری توزیع شده است. پس از آن کارمندان بخش خصوصی قرار دارند که ضریب جینی آنان حدود ۰/۴۱۱ است که رقم بزرگتری را نسبت به کارکنان

مستقل دارا می‌باشند، و پس از کارمندان خصوصی، کارمندان بخش دولتی در مرتبه سوم قرار دارند، در رده بعدی، گروه کارفرمایان و بیکاران با یک رقم برابر، وضعیت توزیع یکسانی را ارائه می‌کنند اما در ضمن بالاترین ضریب را نیز به خود اختصاص می‌دهند که توزیع ناعادلانه‌تری را نسبت به سایر گروهها نشان می‌دهند.

شاخص تایل: تایل اساس شاخص توزیع خود را از نظریه اطلاعات^(۱) که توسط خودش بسط یافته است استخراج نمود. دامنه تغییرات این شاخص نیز عبارتند از اینکه؛ ضریب جینی هرچه کمتر باشد (نزدیک به صفر) توزیع مناسبتری را نشان می‌دهد و هرچه بزرگتر شود عدم برابری را در جامعه عنوان می‌نماید. با توجه به آمار سال ۷۴ این شاخص برای مشاغل مختلف جامعه شهری محاسبه گردیده که در جدول زیر ارائه می‌شود:

جدول (۲-۳): شاخص تایل برای گروههای مختلف شغلی جامعه شهری در سال ۷۴

بیکاران و کارکنان فامیل	کارمندان خصوصی	کارمندان دولتی	کارکنان مستقل	کارفرمایان	گروههای شغلی / ضرایب توزیع
۰/۳۶۰۲	۰/۲۹۹۱	۰/۳۳۴۸	۰/۲۴۵۲	۰/۳۵۸۶	شاخص تایل

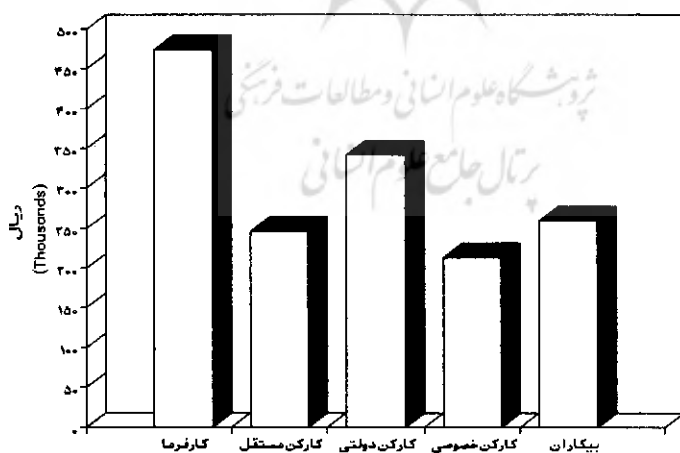
همانطور که مشاهده می‌شود بهترین توزیع درآمد با توجه به شاخص تایل مربوط به گروه کارکنان مستقل می‌باشد که نتیجه‌ای یکسان را با ضریب جینی نشان می‌دهد. پس از کارکنان مستقل، کارمندان بخش خصوصی از نظر درآمدی، برابری بیشتری را در گروه خود دارا می‌باشند. این در حالی است که بالاترین شاخص مربوط به بیکاران است که حدود ۰/۳۶۰۲ می‌باشد و کارفرمایان نیز با رقمی نزدیک به آن از

توزیع بدتری برخوردار هستند، در نهایت شاخص تایل و ضریب جینی نتایج یکسانی را در ارتباط با توزیع درآمد در بین این گروههای شغلی نشان می‌دهد.^(۱)

۴- مقایسه وضعیت رفاهی و توزیع درآمد در سال ۶۴ و ۷۴

حال به منظور شناسایی بهتر وضعیت مشاغل مختلف و روند تغییرات در رفاه آنان، سال ۶۴ را که با یک فاصله ده ساله از ۷۴ قرار دارد مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم، در این مقایسه که بصورت گذرا انجام می‌گیرد ابتدا میزان درآمدهای (هزینه‌ها) مشاغل مختلف را برای سال ۶۴ بررسی می‌کنیم، به این منظور نمودار شماره (۱- ۴) که درآمد در گروههای مختلف شغلی را بصورت جاری در سال ۶۴ برای جامعه شهری نشان می‌دهد، ترسیم نمودیم.

(۱- ۴): متوسط درآمد (هزینه) خانوارهای شهری براساس شغل سرپرست خانواده (سال ۱۳۶۴)

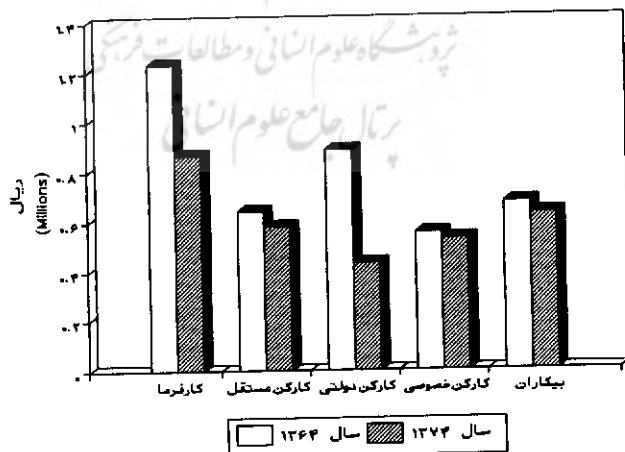


چنانچه در این نمودار مشاهده می‌شود بالاترین درآمد، مربوط به کارفرمایان

۱- محاسبه شاخص اتکینسن نیز نتایج مشابه را در ارتباط با توزیع ارائه نموده است.

است که نزدیک به ۵۰۰ هزار ریال در سال بطور سرانه هزینه می‌کنند. در رتبه بعد از نظر درآمدی، کارمندان دولت قرار دارند، این گروه با فاصله‌ای زیاد از گروه کارفرمایان، هزینه‌ای حدود ۳۵۰ هزار ریال را بطور سرانه در سال دارا می‌باشند، گروه پنجم، پس از کارمندان دولتی قرار دارند و در انتها دو گروه کارکنان مستقل و کارمندان بخش خصوصی با فاصله‌ای اندک در رتبه‌های چهارم و پنجم می‌باشند. این نمودار به ما کمک می‌کند تا یک دید کلی در ارتباط با وضعیت خانوارها در سال ۶۴ از نظر درآمدی داشته باشیم اما به منظور مقایسه این درآمدها با سال ۷۴، ما مجبور خواهیم بود که درآمد را در هر دوی این سالها، به یک سال پایه تبدیل کنیم تا میزان تورم مورد نظر از آن خارج شود و بتوانیم این دو سال را با یک قیمت مقایسه کنیم. به این منظور نمودار شماره (۲ - ۴) میزان درآمد واقعی را برای سالهای ۶۴ و ۷۴ به قیمت پایه سال ۶۹ نشان می‌دهد.

(۲ - ۴): متوسط درآمد (هزینه) خانوارهای شهری براساس شغل سرپرست خانواده



همانطور که در نمودار (۲ - ۴) مشاهده می‌شود میزان درآمد از سال ۶۴ به ۷۴ در تمامی مشاغل کاهش یافته است، این کاهش در برخی مشاغل بسیار محسوس و در

برخی دیگر بصورت جزئی احساس می‌شود. به طوری که برای کارمندان دولت میزان درآمد واقعی به نیم کاهش یافته است. به عبارتی از سال ۶۴ به ۷۴ درآمد کارکنان دولت نصف شده، به صورتی که میزان درآمد واقعی آنان در سال ۷۴ از تمامی مشاغل پایین تر است.

پس از کارمندان دولت، در درآمد واقعی کارفرمایان نیز کاهش نسبتاً زیادی از سال ۶۴ به ۷۴ به چشم می‌خورد، اما هنوز بالاترین درآمد را در جامعه دارا می‌باشند. در میان این ۵ گروه شغلی، کارمندان بخش خصوصی کمترین کاهش را در درآمد واقعی داشته‌اند، به عبارتی میزان درآمد این گروه (بدون وجود تورم) تغییر عمده‌ای نداشته است.

حال برای درک بهتر وضعیت این گروه‌ها می‌توان شرایط توزیع درآمد را نیز در طی این ده سال مورد مطالعه قرار داد. جدول زیر ضریب جینی و شاخص تایل را برای دو سال ۶۴ و ۷۴ ارائه می‌کند که قابلیت مقایسه نیز بین آنها وجود دارد.

جدول (۱-۴): ضرایب جینی و تایل برای گروههای شغلی در دو سال ۶۴ و ۷۴ جامعه شهری

بیکاران و کارکنان فامیلی		کارمندان خصوصی		کارمندان دولتی		کارکنان مستقل		کارفرمایان		گروههای شغلی / ضرایب توزیع
		۶۴	۷۴	۶۴	۷۴	۶۴	۷۴	سال ۶۴	سال ۷۴	
۰/۴۵۲	۰/۴۵۳۴	۰/۴۱۱	۰/۴۲-۱	۰/۴۳۲	۰/۳۸۱	۰/۳۷۹	۰/۴۱۵	۰/۴۵۲	۰/۴۵۵	ضریب جینی
۰/۳۶-۲	۰/۳۵۳۸	۰/۲۹۹	۰/۳۱۱۹	۰/۳۲۴۸	۰/۲۴۵۵	۰/۲۴۵۳	۰/۳-۰۶	۰/۳۵۸۶	۰/۳۶-۸	شاخص تایل

باتوجه به جدول (۱-۴) ملاحظه می‌شود که وضعیت توزیع برای گروه کارفرمایان از سال ۶۴ به ۷۴ بهتر شده است. البته در شاخص ضریب جینی تغییر

محسوسی صورت نگرفته، اما در شاخص تایل، این رقم طی این ده سال یک کاهش جزئی را نشان می‌دهد که می‌تواند حاکی از بهبود وضعیت توزیع در این گروه باشد. شرایط توزیع در کارکنان مستقل نیز از سال ۶۴ به ۷۴ وضعیت بهتری را نشان می‌دهد. این نکته را هم می‌توان در ضریب جینی و هم شاخص تایل ملاحظه نمود. به عبارتی، باتوجه به اینکه این دو شاخص کاهش یافته می‌توان گفت: که برابری در بین این اقشار بیشتر شده است (لازم به توضیح است که پایین آمدن شاخصهای توزیع به معنای بهبود رفاه نیست و تنها بهتر شدن توزیع و برابری در آمد مطرح است، که می‌تواند حتی از تقسیم مساوی فقر نیز ناشی شود).

اما وضعیت در مورد کارمندان دولت عکس دو گروه قبل است. یعنی از سال ۶۴ تا سال ۷۴ افزایش در شاخصهای توزیع این گروه ملاحظه می‌گردد. این بیانگر بیشتر شدن نابرابری در بین این گروه شغلی است و در واقع در این گروه باتوجه به شاخصها، تمرکز ثروت و درآمد در دست عده‌ای بیشتر شده است.

موقعیت توزیع درآمد در کارمندان بخش خصوصی نیز همانند دو گروه اول، از سال ۶۴ تا ۷۴ بهتر شده و در واقع در این گروه برابری و توزیع مناسب در طی این ۱۰ سال بهبود یافته است. گروه پنجم نیز تفاوت قابل ملاحظه‌ای، در شاخص توزیع نشان نمی‌دهد. بصورتی که ضریب جینی در طی این ده سال دو رقم نسبتاً مساوی را ارائه می‌کند و شاخص تایل افزایش جزئی را از سال ۶۴ به ۷۴ نشان می‌دهد.

در کل باتوجه به مقایسه دو مقطع ۶۴ و ۷۴ ملاحظه می‌شود که وضعیت جامعه از نظر درآمدی بسیار کاهش داشته است و میزان درآمد واقعی برای کل افراد پایین آمده، اما این کاهش برای قشر کارمندان دولتی بسیار محسوس بوده و درآمد آنان را به نیم تقلیل داده است. همچنین وضعیت توزیع نیز برای این گروه از شرایط نامساعدتری خبر می‌دهد که نابرابری بیشتر را در درآمد این گروه شغلی بیان می‌کند. با یک نگاه به اقشار مختلف جامعه در سال ۷۴ می‌توان چنین عنوان نمود که وضعیت کارمندان در کل جامعه نامطلوبتر از سایر گروههای شغلی بوده و درآمد این

اقتشار پایینتر از سایر درآمدها در این مقطع زمانی می‌باشد. این نکته می‌تواند خود را در میزان فقر این گروه به وضوح نشان دهد. در مقایسه بین دو سال ۶۴ و ۷۴ این مطلب به روشنی آشکار می‌شود که درآمد این گروه از جامعه، با تورم پایین آمده، و دولت نتوانسته است دستمزد کارکنان خود را با میزان تورم در طی این ده سال تعدیل نماید.

(در حالی که این مشکل می‌توانست از طریق کمکهای نقدی یا جنسی تسهیل گردد.

اما از سوی دیگر وضعیت کارمندان در بخش خصوصی بهتر از همکارانشان در بخش دولتی بوده است. در واقع درآمد این گروه در طی ده سال ۶۴ تا ۷۴ خیلی متأثر از تورم نبوده و کاهش بسیار جزئی را در خود داشته است؛ همچنین وضعیت توزیع درآمد و ثروت نیز در این گروه بهبود یافته است.

با اینکه گروه کارفرمایان نیز کاهش زیادی در درآمد واقعی خود طی این ده سال داشته‌اند، اما همچنان بالاترین درآمد را در بین اقشار مختلف جامعه دارا می‌باشند و میزان فقر در این گروه کمتر از سایر گروههای شغلی است.

بیکاران و کارکنان مستقل نیز همانند کارمندان بخش خصوصی، خیلی متأثر از تورم نبوده و توانسته‌اند درآمد خود را تا حدی با تورم این ده سال تعدیل نمایند، اما وضعیت توزیع در بین گروه بیکاران تغییر چندانی نیافته و همچنین فقر نسبتاً بالایی در این گروه در سال ۷۴ مشاهده می‌شود. این در حالی است که توزیع درآمد در کارکنان مستقل طی ده سال ۶۴ تا ۷۴ از وضعیت مساعدتری برخوردار است و همین طور درصد کمتری از فقر را دارا می‌باشند.

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که گروه کارمندان و پس از آن بیکاران در بین کل جامعه از وضع مطلوبتری برخوردارند که این مسئله می‌تواند از طریق کمکهای مختلف از سوی دولت مرتفع شود، به این صورت که دولت درآمد گروه اول را با تورم تعدیل نموده و با ایجاد شغل‌های مناسب و بهبود توزیع درآمد برای گروه دوم آنان را در وضعیت رفاهی بهتری قرار دهد.

مآخذ:

- 1- A.B. Atkinson, "On the Measurement of Inequality", Journal of Economic Theory, Vol.2, 1970, pp.244-63.
 - 2- A.B. Atkinson, *Poverty and Social Security*. Harvester-Wheatsheaf. 1989.
 - 3- A.L., Bowley. *Working-Class Households*. 1913.
 - 4- P.R.G. Layard and A.A. Walters, *Micro Economic Theory*. Mc Graw-Hill. 1978.
 - 5- J. Pajooyan, *Measurement Poverty Line*. 1994.
 - 6- A.K. Sen, *Poverty, Inequality and Unemployment: Some Conceptual Issues in Measurement*. Sankhya: The Indian Journal of Statistics, Vol 3b, pp.67-82. 1974.
- ۷ - جمشید پژویان. سیاستهای حمایتی از افشار آسیب‌پذیر، وزارت امور اقتصادی و دارایی - معاونت امور اقتصادی. ۱۳۷۳.





پروفیسر شہناز گل خان
پروفیسر شہناز گل خان

پرتال جامع علوم انسانی